

نشریه ادبیات تطبیقی (علمی - پژوهشی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال چهارم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲

## بررسی تطبیقی اصطلاحات حوزه دستور انگلیسی - فارسی از دیدگاه معیارسازی\*

دکتر محمدرضا احمدخانی

استادیار گروه زبان شناسی دانشگاه پیام نور

اکرم دهقان زاده

کارشناس ارشد زبان شناسی دانشگاه پیام نور

### چکیده

در بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی انگلیسی - انگلیسی با فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی انگلیسی - فارسی از لحاظ کمی، مشخص گردید که تعداد اصطلاحات موجود در منابع فارسی به نسبت منابع انگلیسی بسیار اندک است و فقدان اصطلاحات و تعریف‌های توصیفی آشکار است که باید به واژه‌گزینی و اصطلاح‌سازی، طبق اصول و ضوابط واژه‌گزینی پرداخته شود. بر این اساس، تهیه فرهنگ جامع و کامل این رشته بر مبنای اصول اصطلاح‌نامه‌نویسی و فرهنگ‌نگاری بسیار ضروری است. در این پژوهش، به واژه‌گزینی پیشنهادی تعداد واژگانی که معادل یابی نشده‌اند، طبق اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پرداخته است. در بررسی مقایسه‌ای فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی وجود نابسامانی، تعدد اصطلاحی، تکثر مفهومی، وجود یک اصطلاح برای چند واژه، محرز است. چنین وضعیتی، محدودیت و نقص دانسته‌ها و خلط‌های معنایی و اختلال در امر نمایه‌سازی، پردازش و بازیابی اطلاعات را به دنبال خواهد داشت. در این پژوهش، با مقایسه واژگان مصوب فرهنگستان و فرهنگ‌های تخصصی انگلیسی - فارسی و واژه -

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۲

[dr.ahmadkhani@gmail.com](mailto:dr.ahmadkhani@gmail.com)

[akram\\_dehghan55@yahoo.com](mailto:akram_dehghan55@yahoo.com)

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۸/۱۵

نشانی پست الکترونیکی نویسنده‌گان:

نامه‌های ضمیمه شده در کتاب‌های تخصصی زبانشناسی بهترین واژه را طبق اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان، انتخاب و پیشنهاد داده است. در این پژوهش، به این نتیجه کلی می‌رسیم که یکی از فرآیندهای اصلی مؤثر در بالا بردن پایگاه یک زبان استانداردسازی است که می‌توان از آن به عنوان ابزاری مؤثر جهت بهبود و نظم‌بخشی به تعاریف و نظام مفاهیم و نیز اصلاح خلاءهای واژگانی زبان فارسی، کمک گرفت. بدین لحاظ پرداختن به راهکارهای ممکن جهت معیارسازی اصطلاحات حوزه زبانشناسی ضروری می‌باشد.

### واژه‌های کلیدی: زبان معیار، معیارسازی، اصطلاح‌شناسی، فرهنگ

نویسی، واژه‌نامه.

#### ۱- مقدمه

زبان ملی در تحکیم و تثبیت هویت ملی سهم مهمی دارد. اما لازم است گفته شود که در دنیای رو به توسعه امروز، اگر زبان ملی یک کشور زبان علم و فن نشود و تنها در دایره محاورات عادی توده مردم و یا در حوزه ادبیات قدیم آن کشور محدود بماند، به تدریج به حاشیه رانده می‌شود و منزوی می‌گردد و بر اثر آمیختگی با لغات و اصطلاحات بیگانه از زیبایی و هماهنگی و خوش‌آوایی و آیین‌مندی می‌افتد و بیمار می‌شود. رنجوری زبان یک ملت، نشانه رنجوری خود آن ملت است، چنانکه نیرومندی زبان هر ملت نیز نیرومندی آن ملت به شمار می‌رود. علاوه بر این، در هر کشوری که علم و فن به زبان ملی آن کشور تعلیم داده می‌شود یا ترویج شود، یاددادن و یادگرفتن علم آسان‌تر می‌شود و توده مردم با علم و فن بیشتری آشنایی پیدا می‌کنند و این خود یکی از اسباب مهم توسعه و ترویج علم است. واژه‌گزینی برای مفاهیم علمی و ابزارهای فنی جدید دغدغه‌ای نیست که تنها ما فارسی‌زبانان داشته باشیم، بلکه مشکل همه کشورهای و ملت‌هاست. حتی آنان که تولیدکننده علم و مخترع صنعت‌اند، با مسئله‌ای به نام واژه‌گزینی در حوزه علم و فن مواجه‌اند در نتیجه، برای عقب‌نماندن از این قافله شتابان، لازم است با دخل و تصرف در روندهای زبانی و گسترش واژگان و

اصطلاحات، زبان ملی را با نیازهای جهان امروز سازگار کرد. واژه‌گزینی و معیارسازی اصطلاحات و واژگان در حوزه‌های مختلف علمی و تخصصی امری ضروری می‌باشد تا بتوان از این زبان در برابر سیل بنیان کن لغات بیگانه، سد و سنگری ساخت.

## ۲- هدف‌ها

امروزه، پدیده جهانی شدن در فناوری اطلاعات از رشد و گسترش چشمگیری برخوردار شده و فرهنگ‌ها و زبان‌های ملی و محلی را با چالش‌ها و مخاطراتی سترگ روبه‌رو ساخته است. از این رو، در بررسی تطبیقی واژگان حوزه زبان‌شناسی اهداف زیر دنبال می‌شود:

- ۱- ارزیابی وضعیت فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی.
- ۲- ارزیابی وضعیت اصطلاحات حوزه زبان‌شناسی از لحاظ معادل‌سازی و ارتباط صحیح میان مفاهیم در فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی و دستیابی به کاستی‌های موجود در فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی.
- ۳- بررسی معیارسازی اصطلاحات زبان‌شناسی از لحاظ کمی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۴- مقایسه اصطلاحات معادل‌یابی شده مربوط به حوزه زبان‌شناسی، با فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی انگلیسی-انگلیسی.

## ۳- علم اصطلاح‌شناسی

اصطلاح‌شناسی و منشا بروز و ظهور آن را می‌توان در زمان‌های بسیار دور جست و جو کرد (ری، ۱۹۹۵: ۱۱). «ترمینولوژی» که در فارسی معاصر معادل اصطلاح‌شناسی است، علم «میان رشته» و «ترا رشته»<sup>۱</sup> و یا «چند رشته‌ای»<sup>۲</sup> نویی است که از آن به‌عنوان تازه‌ترین حوزه علمی نیز یاد می‌کنند. «میان رشته» به این عنوان که اصطلاح‌شناسی، پیوندگاه تمامی علوم است و «ترا رشته» به این معنا است که پلی است میان علوم مختلف و رابط و واسطه‌ای است میان علوم و نه تنها

علوم، بلکه میان مکاتب، فلسفه‌ها و هنرها و فنون، و "چند رشته" به این مضمون که در این حوزه علمی نوظهور بسیاری از علوم دخیل‌اند؛ از قبیل: زبان‌شناسی، فلسفه علوم، اطلاع‌رسانی و ارتباطات؛ و از آنجایی که اطلاع‌رسانی و ارتباطات خود نیز یک چند رشته‌ای نسبتاً بزرگ است که از بوم‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، از یک سو و سیبرنتیک، مخابرات، الکترونیک و علوم رایانه‌ای از سوی دیگر، تشکیل می‌شود، از این رو، می‌توان اصطلاح‌شناسی را به حق یک چند رشته‌ای بزرگتر دانست. بنابراین، نکات زیر حایز اهمیت است:

۱- فصل مشترک چند علم مذکور است که تشکیل اصطلاح‌شناسی را می‌دهد، و نه اجتماع آن‌ها.

۲- تمام دستگاه علمی یک رشته‌ای اصطلاح‌شناسی، وارد این چند رشته‌ای نمی‌شود؛ و نیز میزان مشارکت هر رشته دخیل در اصطلاح‌شناسی، متفاوت است.

۳- میزان مشارکت بخش‌های سازنده اصطلاح‌شناسی، نه تنها متفاوت است؛ بلکه در هر مرحله و هر یک از ابعاد این چند رشته‌ای، متغیرو پویاست (پورخصالیان، ۱۳۷۹: ۱۰).

### ۳-۱- دلایل اهمیت اصطلاحات

به عقیده (فلبر، ۱۳۸۱: ۶) اصطلاح‌شناسی در زمینه‌های گوناگون کاربرد دارد:

- تدوین و شکل‌گیری مفاهیم (نظریه‌پردازی، تدوین اصول و روش‌های علمی)

- انتقال دانش فنی (آموزش متون علمی\_ فنی)

- پردازش اطلاعات علمی\_ فنی (نگارش، ویرایش، انتشار منابع علمی\_ فنی)

- ترجمه متون علمی و فنی به زبان‌های مختلف دنیا

- چکیده و خلاصه‌نویسی اطلاعات متون تخصصی

- ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات علمی\_ فنی (زبان‌های نمایه‌سازی، اصطلاح‌نامه‌ها، شیوه‌های رده‌بندی).

#### ۴- معیارسازی و برنامه‌ریزی زبان

ارتباط میان اصطلاح‌شناسی و معیارسازی به شکل رسمی و سازمان یافته در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی صورت گرفت و مستندات فراوانی در این زمینه وجود دارد. معیارسازی زبان یا به عبارت صحیح تر، معیارسازی واژگان در سال‌های اخیر توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. برخی زبان‌شناسان معتقدند که فرآیند معیارسازی واژگان در نوع خود امری بدیع محسوب می‌شود (فلبر، ۱۹۸۴: ۶).

پیشرفت‌های حاصل در اوایل قرن بیستم، باعث شده که به کاربرد تخصصی زبان، بیش از پیش توجه شود. پیشرفت سریع علم و فناوری، مفاهیم بسیاری را ارائه کرده است که نیازمند نام‌گذاری اند. سرعت سرسام آور پیشرفت‌های فناورانه آن چنان بوده که کنترل فرایند نام‌گذاری مفاهیم جدید را امکان پذیر نمی‌سازد و این خطر همواره موجود است که یک مفهوم واحد به انحای مختلف، در جوامع متفاوت، نام‌گذاری شود؛ از این رو، لزوم معیارسازی در تمامی حوزه‌ها و از جمله زبان، به نحوی آشکار به منصه ظهور می‌رسد (پیرسون، ۱۹۹۸: ۸).

میزان وضوح و شفافیت اصطلاحات در رشته‌های مختلف متفاوت است. اصطلاحات رشته‌هایی مانند ریاضی و شیمی باید دارای بالاترین حد وضوح و شفافیت باشند؛ در نتیجه، نیاز به معیارسازی در آن‌ها بیشتر است (تمرمن، ۲۰۰۰: ۲۶).

معیارسازی نیاز به تغییر و تحولات بنیادی و پذیرش تقاضاها و روابط جدید رادری دارد که لازمه آن بررسی و شناخت مداوم مبانی نظری و شیوه‌های کاربردی است که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم میلادی در سطح ملی و بین‌المللی ابعاد گسترده‌ای یافته است. به موازات این فعالیت‌ها یک نوع هماهنگ‌سازی و معیارسازی شیوه‌ها در گروه‌های کوچک‌تر کاری و تخصصی نیز باهدف ایجاد ابزار ارتباطی مشترک و واحد در حال انجام است. جوامع بزرگتر زبانی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که چنان چه بخواهند زبان بومی آنان در انتقال دانش که اکنون از مرزها عبور کرده و با سرعت فراوان وارد جوامع گونا

گون بشری می‌شود، مؤثر واقع شود، بایستی در نام گذاری مفاهیم جدید علمی - فنی باهمان سرعت هماهنگی و یکدستی ایجاد شود تا متخصصان رشته‌های علمی بتوانند از زبان بومی خود جهت تبادل نظر و دانش فنی بهره کافی ببرند (فولادی، ۱۳۸۸: ۵۷).

#### ۴-۱- پیشینه معیارسازی در ایران

به‌عنوان مسیری تاریخی برای معیارسازی زبان فارسی، می‌توان دو دوره پیش از مشروطه و پس از مشروطه را در نظر گرفت که در دوره پیش از مشروطه معیارسازی زبان فارسی بیشتر به شکل طبیعی و خود انگیخته صورت پذیرفته و در دوره پس از مشروطه این فعالیت به صورتی آگاهانه‌تر و در حیطه مسایل اجتماعی و سیاسی مرتبط با زبان انجام شده است. نخستین جلوه‌های نوشتاری این زبان در مشرق ایران و در ماوراءالنهر پدید آمده است. اما تلفظ فارسی در کنار دری ارتباطی با فارسی میانه یا پهلوی ندارد و بیشتر در تعامل با عربی این لفظ به واژه «دری» اضافه شده است. برخی یعقوب لیث صفاری را مؤثر در پیدایش شعر دری و در نتیجه انتخاب فارسی دری به‌عنوان «زبان معیار» دانسته‌اند (فولادی، ۱۳۸۸: ۵۷).

#### ۴-۲- فعالیت‌های سازمان یافته برای معیارسازی زبان فارسی

واژه‌گزینی و واژه‌سازی پیش از تشکیل فرهنگستان به‌عنوان راهی برای پالایش زبان از واژه‌های بیگانه و نیز گسترش نقش زبان را می‌توان کاری در جهت معیارسازی زبان تلقی کرد. فولادی (۱۳۸۸) فعالیت‌های رسمی زیر در این حوزه را بر شمرده است:

- ۱۳۰۳: انجمن واژه‌سازی وزارت جنگ.

- ۱۳۰۷: جلسات اصطلاحات علمی دارلمعلمین عالی.

- ۱۳۱۱: انجمن وضع لغات و اصطلاحات علمی در دانشسرای عالی.

- ۱۳۱۳: آکادمی طبی در دانشکده طب و زیر نظر وزارت معارف.

- ۱۳۱۴: تأسیس فرهنگستان ایران.

-۱۳۲۱: تعطیل شدن فرهنگستان ایران.

-۱۳۴۹: تأسیس فرهنگستان زبان ایران.

- اواخر دهه ۶۰ تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم چنین از سال ۱۹۸۸ میلادی عضو مؤسسه (اینفورم) است؛ این مؤسسه از سازمان‌های وابسته به یونسکو است که در سال ۱۹۷۱ میلادی تأسیس شده و مقر آن در وین اتریش است.

#### ۴-۳- برنامه‌ریزی زبان و جایگاه واژه‌گزینی

واژه‌گزینی در نظریه برنامه‌ریزی زبان که زیر شاخه‌ای از جامعه‌شناسی زبان است، یکی از شیوه‌های اصلاح زبان است. اصلاح زبان نیز خود یکی از جنبه‌های برنامه‌ریزی زبان است. واژه‌گزینی از یک جهت در ارتباط است باینکه از حوزه‌های محض زبان‌شناسی که آن ساخت واژه است و از یک جهت مرتبط است باینکه از حوزه‌های میان رشته‌ای زبان‌شناسی که آن جامعه‌شناسی زبان است. اصطلاح‌شناسی که خود حوزه‌ای میان رشته‌ای است از جمله حوزه‌های مؤثر و تعیین کننده در زمینه واژه‌گزینی است، این حوزه اگر چه زاده زبان‌شناسی است، اما به سبب ارتباط تنگاتنگ با رشته‌های تخصصی مختلف ابداع‌کنندگان آن، آن را شاخه‌ای از زبان‌شناسی تلقی نمی‌کنند. شاید بتوان واژه‌گزینی را نقطه مشترک میان حوزه‌های ساخت واژه، اصطلاح‌شناسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی دانست که وجه مشترک همه این‌ها زبان‌شناسی است (کافی، ۱۳۸۴: ۳۵).

#### ۵- الگوهای واژه‌سازی در زبان فارسی

به اعتقاد شیروانی (۱۳۸۳: ۳۷-۳۶) ترکیب و اشتقاق دو راه اصلی واژه‌سازی در فارسی است و توانایی ترکیب‌سازی در زبان فارسی یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این زبان به شمار می‌رود. زبان فارسی از نظر پیشوندها و پسوندها بسیار غنی است و به گفته صاحب‌نظران از این لحاظ از زبان آلمانی و لاتین و یونانی کمتر نیست. در زبان‌های فارسی و انگلیسی واژه‌سازی رایج بیشتر از راه

ترکیب و واژه‌سازی عالمانه بیشتر از راه اشتقاق صورت می‌پذیرد. در زبان فرانسوی بیشتر از راه اشتقاق است که واژه‌سازی می‌شود. الگوهای واژه‌سازی در زبان فارسی به قرار زیر است:

- ساختن گروه نحوی
- ترکیب‌سازی صرفی و گروهی
- اشتقاق با وندها و وندواره‌ها
- گسترش معنایی
- وام‌گیری از متنهای کهن ادبیات فارسی
- وام‌گیری از زبان‌های ایرانی پیش از اسلام (پهلوی، پارسی باستان، اوستایی)
- وام‌گیری از گویش‌ها
- اشتقاق صفر
- کوتاه‌سازی

تکواژ کوچکترین واحد معنادار و غیر قابل تجزیه ای است که دارای محتوای معنایی یا نقش دستوری است و در ساختن واژه‌ها به کار می‌رود که لازم نیست برخلاف واژه به تنهایی معنادار باشد (کاتامبا و استونهم، ۲۰۰۶: ۱۹-۲۰). واژه ممکن است یک تکواژ یا بیشتر باشد. با توجه به تعداد تک‌واژهای تشکیل دهنده واژه‌ها، می‌توان آن‌ها را به دو نوع زیر تقسیم کرد:

- ۱- ساده و ۲- غیر ساده که شامل: ۱- مرکب ۲- مشتق ۳- مشتق - مرکب
- مشود.

اجزای واژه‌های غیر ساده گاه آن‌چنان با هم ادغام می‌شوند که تشخیص ساده از غیر ساده ممکن نیست؛ مثلاً می‌دانیم که «دشخوار» از دو جزء «دش + خوار» ساخته شده است. اما امروزه این نوع واژه‌ها از نظر اهل زبان ساده به شمار می‌آیند؛ چون اهل زبان پیشینه باستانی زبان را در نظر نمی‌گیرند (شیروانی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۷).



## ۵-۱- اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

### و واژه‌های مصوب

واژه‌هایی که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب می‌شود، براساس اصول و معیارهای مدون و مشخصی است که مصوب شورای فرهنگستان است (فرهنگستان زبان و ادب و فارسی، ۱۳۷۸) که در زیر آمده است:

اصل ۱. در انتخاب معادل فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه، واژه فارسی باید حتی‌الامکان به «زبان فارسی معیار امروز» یعنی زبان متداول میان تحصیل کردگان و اهل علم و ادب و زبان سخنرانی‌ها و نوشته‌ها نزدیک باشد.

اصل ۲. در واژه‌گزینی باید قواعد دستور زبان فصیح و متداول «زبان فارسی معیار امروز» مراعات شود.

اصل ۳. در واژه‌گزینی باید قواعد آوایی زبان فارسی رعایت شود و از اختیار واژه‌های ناخوش‌آهنگ و دارای تنافر پرهیز شود و واژه فارسی برگزیده، حتی‌الامکان از معادل بیگانه آن کوتاه‌تر باشد.

اصل ۴. در انتخاب معادل، واژه‌هایی که تصریف‌پذیر و اشتقاق‌پذیر باشند و امکان ساخت اسم و صفت و فعل از آن‌ها وجود داشته‌باشد، مرجح‌اند.

اصل ۵. در گزینش معادل‌ها باید سلسله‌مراتبی به ترتیب زیر ملاک قرار گیرد.

۵-۱. واژه‌های فارسی متداول و مأنوس که از دیر باز در زبان فارسی وجود داشته‌است.

۵-۲. ترکیب‌های نوساخته، بر طبق شیوه‌های واژه‌سازی زبان فارسی با استفاده از واژه‌های فارسی.

۵-۳. واژه‌های عربی مصطلح و متداول و مأنوس در زبان فارسی.

۵-۴. ترکیب‌های نوساخته، بر طبق شیوه‌ی زبان فارسی، با استفاده از واژه‌های

عربی متداول در زبان فارسی.

۵-۵. واژه‌های برگرفته از گونه‌های زبان فارسی و گویش‌های ایرانی کنونی.

۵-۶. واژه‌های برگرفته از زبان‌های ایرانی میانه و باستان.

اصل ۶. در گزینش معادل، واژه‌ای که معنی آن زودیاب و روشن باشد، بر

واژه‌ای که معنی دیر یاب و ناآشکار دارد، مرجح است.

اصل ۷. در واژه‌گزینی به ویژه در علوم برای هر لفظی که دارای یک معنی خاص باشد، ترجیحاً فقط یک واژه برگزیده شود و از تعدد و تنوع واژه‌ها پرهیز شود.

تبصره: برای لفظ بیگانه‌ای که در علوم گوناگون تعاریف مختلف دارد، گزینش چند واژه معادل به مقتضای سنت و سابقه و عرف اهل علم در هر یک از حوزه‌ها مجاز است.

اصل ۸. یافتن معادل برای آن دسته از واژه‌های بیگانه که جنبه جهانی و بین‌المللی یافته‌اند، ضروری نیست. مانند: متر، کیلومتر، اکسیژن، آسپرین و....

اصل ۹. در موارد معدودی که گزینش واژه معادل در قالب‌های مرسوم زبان فارسی متداول میسر نباشد و ضرورت استفاده از روش‌های تازه احراز شود، بر طبق رای شورای فرهنگستان عمل خواهد شد.

۹-۱. استفاده از مصدر برساخته (مصدری که از ترکیب اسم یا صفت با پسوند «یدن» ساخته شود؛ این گونه مصدر سازی با کلمات فارسی، عربی و فرنگی امکانپذیر است).

۹-۲. استفاده از ادغام واژه‌ها: با کوتاه کردن واژه‌های زبان؛ یعنی حذف قسمتی از ابتدا یا انتهای آن‌ها و در کنار هم قرار دادن دو واژه کوتاه شده، واژه نو پدید آورد، مانند توانیر (تولید و انتقال نیرو) (فرهنگستان زبان و ادب و فارسی، ۱۳۷۸).

## ۵-۲- روند بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای واژگان حوزه دستور

روش این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و داده‌های مربوط به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است و بعد از مطالعه و بررسی منابع اصطلاحات و تعاریف آن‌ها از طریق فیش‌برداری، جمع‌آوری و مقایسه شده‌اند. کلیه واژگان و اصطلاحات حوزه دستور با استفاده از منابع انگلیسی شامل:

Crystal. David. (2008): A Dictionary of Linguistics and

Phonetics.

Matthews.P.H. (1997):Oxford Dictionary of Linguistics.

و منابع انگلیسی - فارسی شامل:

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵، ۱۳۸۷.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی دفتر پنجم، ۱۳۸۷.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی دفتر ششم، ۱۳۸۷.

- عاصی، مصطفی، واژگان گزیده زبان‌شناسی، ۱۳۷۵.

- همایون، همادخت، واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته، ۱۳۷۹.

- چگینی، ابراهیم، فرهنگ توصیفی آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی، ۱۳۸۴.

- جک، ریچارد، و دیگران، فرهنگ توضیحی زبان‌شناسی کاربردی لانگمن، ۱۳۷۵.

- اصطلاح‌های ضمیمه شده کتاب‌های:

- حق‌شناس، علی محمد، آواشناسی، ۱۳۷۸.

- حق‌شناس، علی محمد، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ۱۳۷۰.

- حق‌شناس، علی محمد، مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب، ۱۳۸۸.

- باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، ۱۳۸۰.

- ثمره، یدالله، آواشناسی زبان فارسی، ۱۳۷۸.

- دبیرمقدم، محمد، زبان‌شناسی نظری، ۱۳۸۶.

- میرعمادی، سیدعلی، نحو زبان فارسی، ۱۳۸۱.

در این پژوهش، با مراجعه به کتاب‌های "فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان

زبان و ادب فارسی " (هفت دفتر) کلیه واژه‌های حوزه زبان‌شناسی (مشمول بر ۶۲۴ واژه) بر مبنای مقایسه و بررسی تطبیقی، گزینش و استخراج شده است. سپس، به بررسی و مقایسه این واژه‌ها با واژه‌های فرهنگ‌ها و واژه‌های ضمیمه شده کتاب‌های مختلف زبان‌شناسی پرداخته و واژه‌ها با یکدیگر مقایسه شده و بهترین واژه بر اساس اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب و نقطه نظر پیشنهادی ارائه شده است. در این پژوهش، سعی بر آن شده است که فقط یک اصطلاح انتخاب گردد و از گزینش تعدد اصطلاحات جلوگیری شود.

در مرحله دوم این پژوهش، با مقایسه واژه‌های موجود در فرهنگ‌نامه‌های انگلیسی-انگلیسی با منابع موجود انگلیسی-فارسی، به منظور مشخص نمودن کمبود و فقدان اصطلاحات حوزه زبان‌شناسی در فارسی، به استخراج این واژه‌ها پرداخته شده و واژه‌های تکراری را حذف کرده و به فهرست کردن واژه‌ها (مشمول بر ۲۱۰۰ واژه) برحسب الفبایی پرداخته، سپس، واژه‌گزینی این واژه‌ها بر اساس اصول و ضوابط فرهنگستان زبان و ادب فارسی، که در بالا ذکر شده است، صورت گرفته است. در این مقاله تنها به نمونه‌هایی از این پژوهش اشاره می‌شود:

### allograph

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:  
تک‌نگاره گونه - گونه تک‌نگاره.  
همایون: نویسه گونه - حرف گونه.  
عاصی: نویسه گونه.  
واژه پیشنهادی: نویسه گونه.  
گزینش واژه بر اساس بسامد انتخاب  
واژه می‌باشد و همچنین، بر اساس  
اصل دوم: در واژه‌گزینی باید قوانین  
دستور زبان متداول امروز رعایت

### airstream mechanism

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:  
ساز و کار جریان هوا.  
همایون: مکانیسم جریان هوا.  
عاصی: مکانیسم جریان هوا.  
واژه پیشنهادی: ساز و کار جریان  
هوا.  
گزینش این واژه بر اساس اصل  
پنجم: واژه‌های فارسی متداول  
و مأنوس مرجح است.

روشن باشد، بر واژه‌ای که معنی دیریاب و ناآشکار دارد، مرجح است و طبق اصل دوم باید قواعد دستور زبان فصیح و متداول امروز مراعات شود.

### articulation

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: تولید - فراگویی.

همایون: تولید (آوا) - تلفظ - فراگویی - بیان - مخرج. عاصی: تولید - فراگویی. حق شناس: تولید (آوا). ثمره: تولید.

واژه پیشنهادی: فراگویی.

گزینش این واژه براساس اصل پنجم: واژه های فارسی متداول و مانوس مرجح است.

### articulator

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: اندام تولید - فراگو.

همایون: اندام تولید - تولید کننده - واجگر - اندام فراگویی - اندام متحرک (مولد) صوت - فراگو کننده - اندام مولد صوت - اندام گفتار.

عاصی: اندام تولید - اندام فراگویی.

شود و اصل سوم: از معادل بیگانه آن کوتاه تر باشد. allo (گونه). Graph (نویسه). analogy

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: قیاس - سامان گرایی.

همایون: قیاس - سامان گرایی - تمثیل - قرینه سازی - قیاس پذیری. عاصی: قیاس.

حق شناس: قیاس - سامان گرایی.

واژه پیشنهادی: سامان گرایی.

طبق اصل ششم: واژه‌ای که معنی آن زودیاب و روشن باشد، بر واژه‌ای که معنی دیریاب و ناآشکار دارد، مرجح است.

### anomalous

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: سامان گریز.

همایون: خلاف قاعده - بی نظم - ناسازگار - بی قاعده.

عاصی: خلاف قاعده.

دبیرمقدم: بی معنا.

واژه پیشنهادی: سامان گریز.

گزینش این واژه براساس اصل ششم: واژه ای که معنی آن زودیاب و

حقوق‌شناس: تولید کننده - اندام تولید.

واژه پیشنهادی: اندام فراگو.

گزینش این واژه براساس اصل پنجم: واژه های فارسی متداول و مأنوس مرجح است.

### blend

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: آمیزه.

همایون: خط ترکیبی - آمیخته - موردهای اختلاط - کلمه‌های مخلوط - آمیزه.

عاصی: ترکیبی.

واژه پیشنهادی: ترکیبی.

گزینش این واژه براساس بسامد واژه انتخابی می‌باشد و همچنین، اصل پنجم: واژه‌های فارسی متداول و مأنوس مرجح است.

### blending

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: آمیزه سازی.

همایون: آمیزش - تلفیق - ادغام.

عاصی: آمیزش.

واژه پیشنهادی: ترکیب‌سازی.

گزینش این واژه براساس اصل پنجم: واژه‌های فارسی متداول

و مأنوس مرجح است.

### circular definition

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:

تعریف دوری.

همایون: دور کیفیت دوری.

عاصی: تعریف دایره‌وار.

واژه پیشنهادی: تعریف دوری.

اصل ششم: در گزینش معادل، واژه‌ای که معنی آن زودیاب و روشن باشد، بر واژه‌ای که معنی دیریاب و ناآشکار دارد، مرجح است.

### c-command

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: تسلط سازه.

دبیرمقدم: تسلط سازه

میرعمادی: آمریت سازه‌ای.

واژه پیشنهادی: تسلط سازه.

گزینش این واژه براساس بافت تخصصی واژه و همچنین، اصل پنجم: واژه‌های فارسی متداول و مأنوس مرجح است، می‌باشد.

### coarticulation

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: هم-

فراگویی - تولید هم‌زمان.

همایون: هم‌تولیدی - هم‌مخرجی.

به گویی - ۲-به واژه.  
همایون: خوشایندی صوتی - نرم -  
گویی - نکو گویی - خوشایندی  
بیانی - حسن تعبیر - خوش گفتاری -  
خوش گویی.

عاصی: خوش آیندی صوتی.

واژه پیشنهادی: به گویی.

گزینش این واژه براساس اصل ششم  
: در گزینش معادل، واژه‌ای که معنی  
آن زودیاب و روشن باشد، بر  
واژه‌ای که معنی دیریاب و ناآشکار  
دارد، مرجح است.

### graphemics → grapholog

#### y

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: تک -  
نگاره‌شناسی.

همایون: نویسه‌تیک.

عاصی: نویسه‌تیک.

واژه پیشنهادی: نویسه‌شناسی.

اصل ۳. در واژه‌گزینی باید قواعد  
آوایی زبان فارسی رعایت شود و از  
اختیار واژه‌های ناخوش‌آهنگ و  
دارای تنافر پرهیز شود و واژه فارسی  
برگزیده، حتی‌الامکان از معادل  
بیگانه آن کوتاه‌تر باشد.

### Graphology → graphemi

عاصی: هم‌مخرجی.

واژه پیشنهادی: هم‌فراگویی.

گزینش این واژه براساس اصل  
پنجم: واژه‌های فارسی متداول  
و مأنوس مرجح است.

### coining

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:  
برساختن.

همایون: ابداع - وضع - لغت - واژه -  
سازی.

عاصی: ابداع.

واژه پیشنهادی: برساختن.

طبق اصل ششم: واژه باید زود یاب  
و روشن باشد.

### co-ordinate

همایون: همپایه‌ساختن - هماهنگ -  
کردن - همپایه - هم‌آرایی - هم‌مرتب -  
هم‌مطراز.

عاصی: ۱- همپایه ۲- همپایه‌ساختن.

دبیرمقدم: سطح نماها.

حق‌شناس: همپایه - همپایه‌ساختن.

واژه پیشنهادی: همپایه‌ساختن.

گزینش این واژه براساس بسامد واژه  
انتخابی می‌باشد.

### euphemism

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۱-

نگاشت -خط واژه‌نگار علامت

کلمه‌ای.

عاصی: واژه‌نگاشت.

حق‌شناس: علامت اندیشه‌نگار.

واژه پیشنهادی: واژه‌نگاشت.

گزینش این واژه بر اساس بسامد

واژه انتخابی می‌باشد.

### Logograph → logogram

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واژه-

نگاشت.

همایون: واژه‌نگار - اندیشه‌نگار.

عاصی: واژه‌نگار - خط واژه‌نگار.

واژه پیشنهادی: واژه‌نگار.

گزینش این واژه بر اساس بافت

تخصصی واژه و بسامد واژه انتخابی

می‌باشد.

### Logograph → logogram

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واژه-

نگاشت.

همایون: واژه‌نگار - اندیشه‌نگار.

عاصی: واژه‌نگار - خط واژه‌نگار.

واژه پیشنهادی: واژه‌نگار.

گزینش این واژه بر اساس بافت

تخصصی واژه و بسامد واژه انتخابی

می‌باشد.

### morphological

CS

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: تک -

نگاره‌شناسی.

همایون: خط‌شناسی - نگاره‌شناسی

- دستگاه خط.

عاصی: ۱- خط‌شناسی ۲- دستگاه

خط.

واژه پیشنهادی: تک نگاره‌شناسی.

گزینش این واژه بر اساس بافت

تخصصی واژه انتخابی و همچنین،

اصل سوم: در واژه‌گزینی باید

واژه‌های خوش‌آهنگ مرجح باشد.

### homograph

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: هم -

نگاره.

همایون: کلمه هم‌مخط، هم‌نویسه.

عاصی: هم‌نویسه.

حق‌شناس: کلمه هم‌مخط.

واژه پیشنهادی: هم‌نویسه.

گزینش این واژه بر اساس اصل

پنج‌م: واژه‌های فارسی متداول

و مأنوس مرجح است.

### logogram → logograph

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:

واژه‌نگاشت.

همایون: علامت اندیشه‌نگار - واژه -



واژه پیشنهادی: نظام نوشتاری.  
گزینش این واژه براساس بسامد واژه  
انتخابی و اصل ششم: واژه‌هایی که  
معنی آن زودیباب و روشن باشد، بر  
واژه‌هایی که معنی دیریاب و  
ناآشکار دارد، مرجح است.

### Phonogram

فرهنگستان زبان و ادب  
فارسی: آوانگار.  
همایون: علامت صوتی - آوا نگار -  
صوت نگاشته - صوت نگار -  
آوانگار [دستگاه].

عاصی: علامت صوتی - صوت نگار.  
واژه پیشنهادی: صوت نگار.

گزینش این واژه براساس بافت  
تخصصی واژه و همچنین، اصل  
پنجم: واژه‌های فارسی متداول  
و مانوس مرجح است.

**phrase structure**  
**grammar**

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:  
دستور ساخت گروهی.

همایون: دستور سازه‌ای - دستور  
گروه ساختی - دستور زبان  
ساختاری.

عاصی: دستور سازه‌ای.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:  
ساختوازی - صرفی.

همایون: صرفی - ساختوازی -  
تکواژشناختی - (مربوط به) صرف -  
سازه‌ای - تکوازی - ساختی.

عاصی: صرفی - ساختوازی.  
باطنی: ساختی - صرفی.

حقوق‌شناس: صرفی (مربوطه به)  
صرف - ساختوازی.  
واژه پیشنهادی: صرفی.

انتخاب این واژه براساس بسامد واژه  
انتخابی می‌باشد.

### orthography

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: خط -  
نظام نوشتاری.

همایون: خطاطی - دستگاه خط -  
الفبا - نگارشگری - خط - نگارش -  
نظام خط - سیاق نگارش - املاء -

رسم الخط - ثبت عادی اصوات -  
رسم الخط زبان - درست‌نویسی -

نظام خطی - دستگاه نوشتاری - نظام  
نوشتاری.

عاصی: ۱ - خط ۲ - شیوه خط ۳ -  
درست‌نویسی.

حقوق‌شناس: خطاطی -  
نگارشگری خط - نگارش.

دبیرمقدم: دستور ساخت گروهی.

واژه پیشنهادی: دستور ساخت گروهی.

گزینش این واژه براساس اصل ششم: واژه‌هایی که معنی آن زودیباب و روشن باشد، بر واژه‌هایی که معنی دیریاب و ناآشکار دارد، مرجح است.

### segment

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واحد.

همایون: پاره - قطعه - تکه - بخش - جزو - تحت - زنجیره - صدا.  
عاصی: ۱- پاره ۲- تقطیع کردن.  
حق‌شناس: عنصرزنجیری - واحد زنجیری.

واژه پیشنهادی: واحد زنجیری.

گزینش این واژه براساس اصل پنجم: واژه‌های عربی مصطلح و متداول و مأنوس در زبان فارسی، مرجح است.

### thematization

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: (آغازگر سازی) فرآیندی که در آن یک سازه در آغاز پیام قرار می‌گیرد.  
همایون: برجسته‌سازی - عنوان‌سازی

- مبتداسازی - تغییر موضوع جمله.

عاصی: برجسته‌سازی.

واژه پیشنهادی: آغازگر سازی.

گزینش این واژه براساس اصل ششم: واژه‌ای که معنی آن زودیباب و روشن باشد، بر واژه‌هایی که معنی دیریاب و ناآشکار دارد، مرجح است، می‌باشد.

### transcription

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ترانوش - ترانویسی.

همایون: آوا نویسی - آوانگاری - صوت‌نگاری - نگارش - خط - ثبت - ترانویسی آوانویسی - آوانگاری - صوت‌نگاری - نگارش - خط - ثبت - ترانویسی.

عاصی: ۱- آوانویسی ۲- آوانوش.

حق‌شناس: آوانگاری - آوانویسی.

واژه پیشنهادی: آوانویسی  
گزینش این واژه براساس بسامد واژه انتخابی می‌باشد.

### umlaut → vowel

### mutation

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: پیشین شدگی.

### umlaut

همایون: تجانس (آواها، صداها) -  
اوملات (نوعی هماهنگی مصوت  
ها) - پیشین شدگی واکه‌ای.

### umlaut

عاصی: همگونی مصوت‌ها.

حق‌شناس: تجانس (آواها/صداها)

واژه پیشنهادی: پیشین شدگی.

گزینش این واژه براساس اصل ششم  
: درگزینش معادل، واژه‌ای که معنی  
آن زودیاب و روشن باشد، بر  
واژه‌ای که معنی دیریاب و ناآشکار  
دارد، مرجح است.

### voice

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واک.

همایون: ۱- واک - واکداری -  
صوت - آوا ۲- [فعل] جهت  
[دستوری] - حالت (فعل)،  
باب [دستور] جهت - نمای فعل.

عاصی: ۱- واک ۲- صدا ۳- جهت  
دستوری.

ثمره: واک.

حق‌شناس: ۱- واک - صوت ۲-

واکداری - [فعل] جهت [دستوری].

واژه پیشنهادی: واک.

گزینش این واژه براساس بسامد واژه  
انتخابی می‌باشد.

### word- class

فرهنگستان زبان و ادب فارسی: رده  
واژه‌ها - طبقه واژه‌ها.

همایون: طبقه کلمه - انواع کلمه -  
مقوله واژه - اقسام واژه - طبقه واژه -  
مقولات کلمه - مقوله واژگانی.

عاصی: طبقه واژه‌ای.

حق‌شناس: طبقات کلمه - انواع  
کلمه.

واژه پیشنهادی: طبقه واژه‌ای.

گزینش این واژه براساس بافت  
تخصصی واژه و بسامد واژه  
انتخابی می‌باشد.

abducted	دور شده (تارهای صوتی)
abrupt (adj.)	آنی
adducted (adj.)	نزدیک شده (تارهای صوتی)
adstratal (adj.)	قشرافزایی (در زبان‌شناسی اجتماعی)
alienable (adj.)	قابل انتقال (در صوت‌های ملکی)
alloseme	معنای گونه
allonym (n.)	نام‌گونه
allotagma (n.)	نقش‌گونه
ambisyllabicity (n.)	دوهمجایی شدگی
anchor (n./v.)	لنگر (واحد ثابتی که واحدهای دیگر به آن مربوطند)
antepenultimate	سه همجا به آخر
aperture	تنگی (درجه بازی دهان)
aphaeresis	حذف واکه آغازین
apronym (n.)	اسم نسبی (اسم برگرفته از شغل یا طبیعت شخص در نام‌شناسی)
arhyzotonic	تکیه در جای دیگر از ریشه
articulatory	حرکت فراگویی
kinematics	
ascension (n.)	ارتقا
<b><u>B</u></b>	
backlooping (n.)	پس‌گریز
backshifting	تغییر به گذشته
bahuvrihi (adj.)	داشتن (اصطلاح سانسکریتی) ترکیب ملکی - ترکیب برون مرکزی

bare plural	جمع بدون مشخصه
Baritone	طنین افتان
bidirectionality (n.)	دو جهت مندی
biliteracy (n.)	دو سواد
bimoraic (adj.)	دو پاره هجایی
boundary tone	نواخت مرزی
byname (n.)	اسم فرعی
<b><u>C</u></b>	
Caesura	بخش آهنگین (وزنی) در گفتار
caregiver/caretaker speech	گفتار پرستار - مادرانه (زبان)
case stacking	توده حالتی (یک واژه که بیش از یک حالت صرفی دارد)
catachresis	اجحاف (درهم آمیزی استعارات نامربوط به هم)
centre-embedding	درونه گیری مرکزی (هجاء)
centrifugal vs. centripetal	مرکز گریز و مرکز گرا
chroneme (n.)	دیرش
circumfix (n.)	پیراوند (ترکیبی از پیشوند و پسوند)
Collapsing	خلاصه نویسی - فروریختگی
congruity (n.)	همخوانی - هم نهشتی
conspiracy (n.)	همدستی (عملکرد جمعی قانون ها برای رسیدن به هدف خاص)
consultant (n.)	آگاهگر
C-place (n.)	جایگاه انقباض - خاستگاه گره (برای

	مصوت ها)
C-slot (n.)	جایگاه (مصوت)
cumulative (adj.)	تراکمی
cupping (n.)	همخوان برگشتی (تولید توسط زبان)
<b><u>D</u></b>	
Daughter	همیشه (در مطالعه تاریخی تطبیقی زبان)
daughter-adjunction	پیوستگی دختری (همیشه‌ای)
(n.)	
daughter-dependency	دستور وابستگی دختر (همیشه‌ای)
grammar (DDG)	
de re	چیزی که گفته شده
deferential	صورت مؤدبانه
form=polite form	
deforestation (n.)	تسطیح (مرتب کردن لغات برای فرایند وندافرایی)
degenerate foot	گام تک شاخه‌ای
dense neighborhood	همسایه‌های متراکم (تعداد زیاد کلمه‌هایی که فقط در یک صدا مشترک نیستند)
dense (network)	متراکم - غلیظ
Diaphone	ناهماهنگی
directional	استلزم جهت دار
entailingness	
disconnection model	انگاره گسسته
donkey sentence	جمله نامعلوم - جمله مشکوک

**E**

elaborated (adj.)	گسترده
electroaerometer,	دستگاه اندازه گیری جریان هوا (در هنگام
electroaerometry (n.)	صحبت)
electroglottograph	دستگاه ثبت زبانی الکتریکی
(n.) (EGG)	
electrokymograph	دستگاه ثبت جریان هوا (بینی و دهان در
(n.)	هنگام صحبت)
electrolaryngogram,	دستگاه اندازه گیری (تفاوت بین
electrolaryngograph	اصطلاحات چاکنایی و حنجره‌ای
(y) (n.)	
electromyograph (n.)	دستگاه ثبت انقباض ماهیچه‌ای
(EMG)	
electropalatograph	دستگاه ثبت تماس بین زبان و کام (در
(n.) (EPG)	هنگام گفتار)
elsewhere condition	شرط جایی دیگر
encyclopaedic	دانش دایرة المعارفی
knowledge	
endangered language	زبان در معرض خطر
endearment, terms of	محبوبیت - اصطلاحات عاشقانه
In sociolinguistics,	
Eponym	منسوب الیه - مسمی (نام گذاری از اسامی اشخاص)
Erotetic	پرسش - پرسشی (واژه یونانی)
ethnobotany	شجره‌شناسی قومی
Exaptation	گسترش (نقش نحوی جدید)

**F**

fading'	(of	رنگ‌زدایی
meaning)=bleaching		
familiar form		صورت های تباری
family resemblance'		شبهت خانوادگی - همانند خانوادگی
focusing subjunct		التزام کانون سازی
Fossilized		فسیل شده - تثبیت شده
foregrounded		پیش زمینه
forward-reference		ارجاع پیشرو
(n.)		
fry (n.)		واکه جیرگونه
f-structure (n.)		ساختار نقشی

**G**

generalized		کمیت‌نمای تعمیمی
quantifier		
generalized		نظریه کمیت‌نمای تعمیمی
quantifier theory		
generator (n.) (GEN)		زایا-زاینده
genetic classification		رده‌بندی توارثی
gestural phonology		واجشناسی ایمایی (اشاره‌ای)
ghost segment		جن زنجیره
grinding (n.)		تبدیل واژه قابل شمارش به غیرقابل شمارش
groove (n.)		سایش شیاری
group genitive		اضافه گروهی

**H**



Hamza	همزه
hapxlegomenon	واژه اتفاقی (واژه‌ای که به اقتضای موقعیت خاص ساخته می‌شود)
Hamitic	زبان همیتیک (خانواده زبانی آفرا-آسیایی)
Hamza	همزه
Han'gul	الفبای کره‌ای
Hapxlegomenon	واژه اتفاقی (واژه‌ای که به اقتضای موقعیت خاص ساخته می‌شود)
Hesternal	حادثه‌ای که روز گذشته اتفاق افتاده (زمان فعل)
hodiernal (adj.)	امروزی (صورت فعلی که مربوط به اتفاقات امروز است)
homopheny (n.)	واژه‌های همانند دیداری (ارتباط ناشنویان)
hortative (adj./n.)	ترغیبی (معنای فعل)
hypophonotactics (n.)	واج‌آرایی شامل
<b><u>I</u></b>	
iambic reversal	جابه‌جایی گره‌های ضعیف و قوی
identity operation	عملکرد هویتی
idioglossia (n.)	واژه‌نامه فردی
imparisyllabic	ناهم‌هجا
included (adj.)	واژگون مرتبه
inclusive language	زبان انضمامی
indirect anaphora	پیش مرجع غیر مستقیم

ineffability (n.)	ناگفت
Infection	تاثیر یک واکه بردیگری
inheritance principle	اصل ذات
initialism (n.)	آغازین
inner form	صورت درونی
instantaneous (adj.)	آنی
institutionalized	نهادینه سازی شده
instrumental	آواشناسی کنش ابزاری
phonetics	
intensifying	تشدیدی
iterativity (n.)	تکراری - تکریری
<b><u>J</u></b>	
jaw setting	موقعیت فک
Jer	یکی از نویسه‌های الفبای سیریلیک
<b><u>K</u></b>	
kine, kineme (n.)	تک حرکت
kinematics (n.)	اشاره شناسی
Kinetic tone=contour	زبان ناهموار
tone	
<b><u>L</u></b>	
lamino-dental	سرزبانی - دندانی
language murder	ازبین برنده زبان
language suicide	انتحار زبان
laryngealized (adj.),	حنجره‌ای شده
laryngogram,	خشکنای نگار
laryngograph (y)	

left-to-right	هم‌فراگویی چپ به راست
coarticulation	
lenite (v.)	نرم شدن
lenition (n.)	سستی صامت
level-skipping (n.)	سطح حذف
lexical access	دسترسی واژگانی
lexical array	رشته واژگانی
longitudinal (adj.)	طولی (مربوط به مطالعه اکتساب زبان کودکان در یک دوره زمانی)
Loopback	عقب‌گرد - پس‌گرد
<b><u>M</u></b>	
mandibular setting	موقعیت آرواره
meliorative	بهبودی
melodic tier	لایه موزون
melody units	واحدهای نوا
metropolitanization (n.)	کلان‌شهرسازی
misderivation (n.)	اشتقاق نادرست
monomoraic (adj.)	تک‌پاره‌هجایی
monosemy (n.)	تک‌معنایی
monostratal (adj.)	تک‌لایه‌ای - تک‌قشری
<b><u>N</u></b>	
natural generative	واجشناسی زایشی طبیعی
phonology (NGP)	
Natural Serialization	اصل زنجیره سازی طبیعی
Principle	

non-anterior	غیرپیش بسته
nonce-word	کلمه‌ای که به اقتضای موقعیت خاص ساخته می‌شود
noun classification	رده‌بندی اسم
noun incorporation	انضمام اسمی
noun-completment	متمم اسم
NP accessibility	سلسله مراتب دسترسی گروه اسمی
Hierarchy	
NP-movement (n.)	حرکت گروه اسمی
NP-trace	رد گروه اسمی
nuclear argument	استدلال هسته‌ای
nuclear predication	اسناد هسته‌ای
<b><u>O</u></b>	
obligatory valent	ظرفیت اجباری
obsolescent	مهجور
output condition	شرط برون‌دار
output-output	محدودیت برون‌داد
constraints	
onomatology (n.)	نام‌شناسی
ordering paradox	لغزواره ترتیبی - تناقض ترتیبی
Oxymoron	نقیض گوئی
<b><u>v</u></b>	
VOT	زمان آغاز واک
vowel quadrilateral	چهارسویی واکه
<b><u>w</u></b>	
WFR	قانون واژه‌سازی

wh-cleft

اسنادی wh (شبه اسنادی شده)

## ۶- نتیجه گیری

همانگونه که ملاحظه می‌شود، در بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی انگلیسی-فارسی از لحاظ کمی، مشخص گردید که تعداد اصطلاحات موجود در منابع فارسی به نسبت منابع انگلیسی بسیار اندک است (نمودار ۱) و به دلیل فقدان اصطلاحات و تعریف‌های توصیفی، باید به واژه‌گزینی و اصطلاح‌سازی، طبق اصول و ضوابط واژه‌گزینی پرداخته شود. بر این اساس، تهیه فرهنگ جامع و کامل این رشته بر مبنای اصول اصطلاح‌نامه‌نویسی و فرهنگ‌نگاری بسیار ضروری است. در این پژوهش، به واژه‌گزینی برای ۲۱۰۰ واژه، که معادل یابی نشده‌اند، طبق اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پرداخته شده است. همچنین، در بررسی تطبیقی فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی وجود نابسامانی تعدد اصطلاحی، تکثر مفهومی، وجود یک اصطلاح برای چند واژه، محرز گردید. چنین وضعیتی، محدودیت و نقص دانسته‌ها و خلط‌های معنایی و اختلال در امر نمایه‌سازی، پردازش و بازیابی اطلاعات را به دنبال خواهد داشت.

کتاب "واژگان گزیده زبان‌شناسی" که به همت مصطفی عاصی گردآوری شده است، با وجود ویژگی‌های برجسته، دارای کاستی‌هایی می‌باشد. در این واژه‌نامه، به هیچ‌گونه واژه‌سازی دست‌یازی نشده است و با وجودی که سعی بر آن شده است که از تعدد اصطلاحی و مفهومی جلوگیری شود، ولی باز هم تعدد اصطلاحی و مفهومی در آن به چشم می‌خورد، مثال:

modal verb: فعل ناقص - فعل حالت.

passive: پذیرا - مجهول.

و همچنین، برخی اصطلاحات کلیدی و مهم در واژه‌نامه وجود ندارد، همانند:

thematic roles, suprasegmental phonology, subjuncy

.....

کتاب "واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته" تلاش درخور تقدیر همادخت همایون می‌باشد. با وجود مزیت‌های فراوان، می‌تواند به‌عنوان «بهترین سند و شاهد عینی» در خصوص ادعای وجود تکثر اصطلاحی و مفهومی و به کارگیری یک اصطلاح برای چندین مفهوم و به کارگیری چندین اصطلاح برای یک مفهوم محسوب می‌شود. مثال:

طرز- قالب - گونه - نوع - ژانر - نوع ادبی - نوع سخن: genre

ذیل- عنصر نا آشنا - نکته فرعی پیام - خبر [دستور] - عنصر پسین: rheme

و همچنین، برخی اصطلاحات کلیدی و مهم در این واژه‌نامه وجود ندارد. مثال:

bleed - D-structure - feed.....

در مقایسه تطبیقی فرهنگ‌ها مشاهده شد که چندباره کاری در تهیه فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی به فارسی صورت گرفته است؛ در حالی که بسیاری از واژگان در زبان‌شناسی وجود دارد که مورد نیاز دانشجویان رشته زبان‌شناسی و آموزش زبان می‌باشد که هنوز واژه‌گزینی و معادل‌یابی نشده‌اند و در هیچ کدام از فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی به فارسی وجود ندارند.

نابسامانی و تکثر اصطلاحات و همچنین، معادل‌های ضد و نقیض در فرهنگ‌های تخصصی زبان‌شناسی نمایان است.

- به کارگیری یک اصطلاح برای چندین مفهوم، همانند:

تغییر آوایی: sound shift

تغییر آوایی: sound change

- استفاده از اصطلاحات متعدد برای بیان مفهومی واحد، همانند:

ساخت زیربنایی - ساختار زیرین - ساخت زیرین - ژرف ساخت -

زیربنا: underlying structure

تعریف توصیفی متعددی که برای برخی از اصطلاحات ارائه گردیده است، اگر چه همه مفهوم اصلی را دربردارند، ولی هر کدام از جنبه خاصی به آن اصطلاح پرداخته و حتی چندگانگی از لحاظ ذکر انواع، ابهام مفهومی بیشتری را

موجب شده است، همانند:

goal: ۱- کنش پذیر ۲- هدف

- نابسامانی اصطلاحات و وجود معادل های ضد و نقیض برای یک اصطلاح

واحد. همانند:

co-ordinate:

همایون: همپایه ساختن - هماهنگ کردن

همپایه - هم آرای - هم مرتبه - هم طراز

عاصی: ۱- همپایه ۲- همپایه ساختن

دبیرمقدم: سطح نماها

self-embedding:

همایون: ساخت پیازی

دبیرمقدم: خوددرونه گیری

بسیاری از واژه ها و اصطلاحات در فرهنگ های تخصصی زبان شناسی انگلیسی - انگلیسی وجود دارد که هیچ گونه واژه گزینی و معادلیابی صورت نگرفته است. مثال:

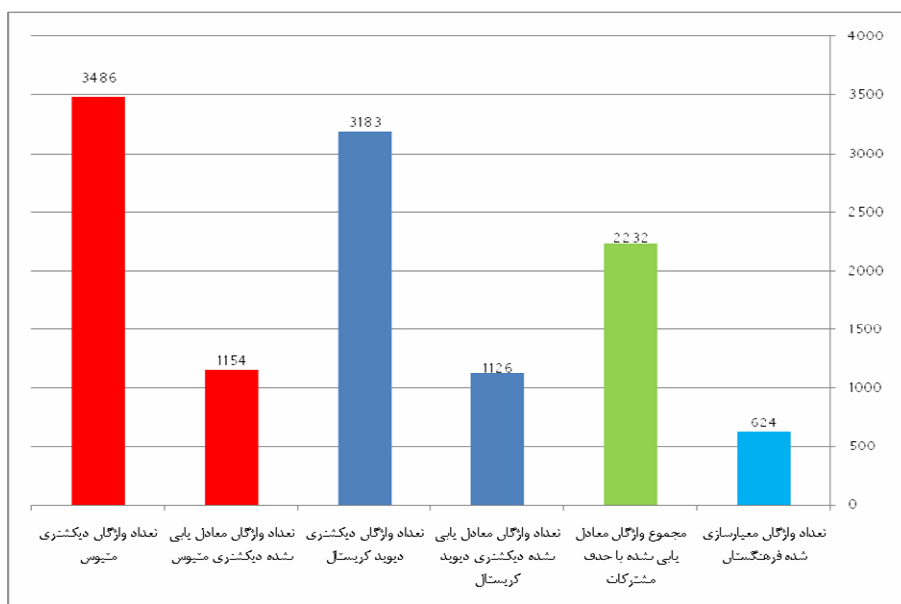
contrafactive - bootstrapping- ....

فرآیند یکسان سازی و معیار نمودن اصطلاحات زبانشناسی صورت گرفته است. گروه واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی کار معیار سازی واژگان تخصصی زبان شناسی را در شش دفتر انجام داده است که شامل ۶۲۴ واژه می باشد. با بررسی وضعیت کمی اصطلاحات در مقایسه با تعداد اصطلاحات حوزه زبان شناسی در منابع انگلیسی و فارسی مشخص گردید که تعداد اصطلاحات موجود در منابع فارسی به نسبت منابع انگلیسی بسیار اندک است (نمودار ۱). تعداد واژگان فرهنگ لغت متیوس ۳۴۸۶ واژه، تعداد واژگان معادلیابی نشده فرهنگ لغت متیوس ۱۱۵۴ واژه، تعداد واژگان فرهنگ لغات دیوید کریستال ۳۱۸۳ واژه، تعداد واژگان فرهنگ لغات معادلیابی نشده دیوید کریستال ۱۱۲۶ واژه، مجموع واژگان معادلیابی نشده با حذف مشترکات ۲۲۳۲ واژه، تعداد واژگان معیار سازی

شده فرهنگستان ۶۲۴ واژه میباشد.

بنابراین، برای حداقل ۵۰٪ از اصطلاحات تخصصی زبان‌شناسی انگلیسی-انگلیسی، هنوز معادل فارسی وضع نشده است. در این پژوهش، با مقایسه واژگان مصوب فرهنگستان و فرهنگ‌های تخصصی انگلیسی-فارسی و واژه‌نامه‌های ضمیمه شده در کتاب‌های تخصصی زبان‌شناسی بهترین واژه را طبق اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان، انتخاب و پیشنهاد داده است.

در این پژوهش، به این نتیجه می‌رسیم که یکی از فرآیندهای اصلی مؤثر در بالا بردن پایگاه یک زبان استانداردسازی است که می‌توان به عنوان ابزاری مؤثر جهت بهبود این وضعیت و نظم‌بخشی به تعاریف و نظام مفاهیم و نیز اصلاح خلاءهای واژگانی زبان فارسی، کمک گرفت. بدین لحاظ پرداختن به راهکارهای ممکن جهت معیارسازی اصطلاحات حوزه زبان‌شناسی ضروری می‌باشد.



**نمودار ۱- نمودار تعداد واژگان معادل یابی شده و نشده.**



## یادداشت‌ها

<sup>1</sup>-transdiscipline

<sup>2</sup>-Multidiscipline

## کتابنامه

- ۱- آ.ا.ج. رویینز (۱۳۸۵). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی* (ترجمه علی محمد حق شناس). تهران: نشر مرکز.
- ۲- باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳- پورخصالیان، عباس. (۱۳۷۹). "نازه ترین حوزه علمی"، پیام ارتباطات، دوره نهم، صص ۱۰-۱۲.
- ۴- پیتر آ. ام. سورن. (۱۳۸۸). *مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب* (ترجمه علی محمد حق شناس)، تهران: سمت.
- ۵- ثمره، یدالله. (۱۳۷۸). *آواشناسی زبان فارسی*. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ۶- ریچارد، جک، و دیگران. (۱۳۷۵). *فرهنگ توضیحی زبان‌شناسی کاربردی لاتگمن* (ترجمه دکتر حسین وثوقی و دکتر سیداکبر میرحسینی)، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ۷- چگینی، ابراهیم. (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی*، تهران: انتشارات راهنما.
- ۸- حق شناس، علی محمد. (۱۳۷۸). *آواشناسی*، چاپ ششم، تهران: آگاه.
- ۹- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۶). *زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی*. تهران: سمت.
- ۱۰- شیروانی، محمدرضا (۱۳۸۳). *فرهنگ واژه‌شناسی فارسی*، تهران: آگاه.
- ۱۱- عاصی، مصطفی (۱۳۷۵). *واژگان گزیده زبان‌شناسی*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۲- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۷). *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*. تهران: نشر آثار. ۱۳۷۶-۱۳۸۵.

- ۱۳- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۷) *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*، دفتر پنجم، تهران: نشر آثار.
- ۱۴- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۸) *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*. دفتر ششم. تهران: نشر آثار.
- ۱۵- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۷۸) *اصول و ضوابط واژه‌گزینی*. انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۶- فلبر، هلموت (۱۳۸۱). *مبانی اصطلاح‌شناسی* (ترجمه محسن عزیز). تهران: انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ۱۷- فولادی، اشرف (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی اصطلاحات حوزه گفت‌وگو در انگلیسی-فارسی از دیدگاه معیارسازی*، دانشگاه پیام نور مرکز تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی.
- ۱۸- کافی، علی (۱۳۸۴) *مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. تهران: نشر آثار.
- ۱۹- میرعمادی، علی (۱۳۸۱) *نحو زبان فارسی*. تهران: سمت.

20-Crystal. David(2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Oxford : Black well Publishing.

21-Felber, Helmut (1984). *Terminology Manual*. Paris: UNESCO

22-Katamba, Francis & Stonham, John (2006), *Morphology*. London: Palgrave Macmillan.

23-Matthews. P.H (1997). *Oxford Dictionary of Linguistics*. Oxford: Oxford University Press.

24-Pearson, J. (1998). *Terms in Context*. Amsterdam: John Benjamins.

25-Rey,A.(1995).*Essays on Terminology* ,J.C. Sager(ed),  
Amsterdam: JohnBenjamins.

26-Temmerman,R.(2000).*Toward New Ways of Terminology  
Description*.Amesterdam:John Benjamins.